



ارتش گرسنگی

آیا سال 97

سال سقوط حکومت اسلامی ایران است!؟



ناظم حکمت

ارتش گرسنگی راه می‌رود
راه می‌رود تا دلی از عزای نان درآورد
تا دلی از عزای گوشت درآورد
تا دلی از عزای کتاب درآورد
تا دلی از عزای آزادی درآورد
راه می‌رود، پل‌ها را در می‌نوردد، چون دم شمشیر می‌برد
راه می‌رود، درهای آهنین را می‌درد، حصار دژها را واژگون می‌کند
پای در خون راه می‌رود.

ارتش گرسنگی راه می‌رود
با گام‌های تند
با سرودهای آتش
با امید به بیرق شعله شکش
با امید به امید.

ارتش گرسنگی راه می‌رود
شهرها را به‌دوش می‌کشد
با کوچه‌ها و خانه‌های تاریکشان،
دودکش‌های کارخانه‌ها را به‌دوش می‌کشد
و خستگی بی‌پایان خروجی کارخانه‌ها را.

ارتش گرسنگی راه می‌رود
به‌دنبال خویش می‌کشد و می‌برد
راسته‌های زاغه‌نشینان را
و آنان را که می‌میرند بدون مشت خاکی بر این خاک نامتناهی.

ارتش گرسنگی راه می‌رود
راه می‌رود تا گرسنگان را نان دهد.
تا آزادی دهد بدان‌ها که ندارند
پای در خون راه می‌رود.

بهرام رحمانی
حکومت اسلامی ایران را بحران‌های متعدد داخلی و خارجی فرا گرفته است از این‌رو، حکومت هر تکانی می‌خورد بیش‌تر در باتلاق بحران‌هایش فرو می‌رود. حتی نهضت آزادی نیز درباره فروپاشی حکومت هشدار داده و زمزمه دولت نظامی نیز راه افتاده است.
سال 1396 با اعتصابات کارگری و اعتراض‌های عمومی پایان یافت و در سال جدید نیز این وضعیت همچنان ادامه دارد. اعتراض روزهای اخیر خلق عرب خوزستان، ادامه اعتصاب و اعتراض کارگران نیشکر هفت‌تپه، اعتراض‌های کردستان و... نمونه‌هایی از اعتراض‌های آغاز سال 97 هستند.

اقتصاد ایران، با ده‌ها مشکل روبه‌روست، اما به‌نظر می‌رسد حکومت اسلامی، هیچ راه‌حلی برای این مشکلات ندارد. چرا که این مشکلات تاریخ چهل ساله و ریشه در ساختارهای مهم حکومت اسلامی دارد. مهم‌ترین بحران و معضل اقتصاد بیمار ایران، اقتصاد مافیایی، رانت‌خواری، رشوه‌خواری، غارت اموال عمومی مردم توسط مقامات و مسئولین و ارگان‌های حکومتی و اطرافیان آن‌ها است به‌طوری که فساد اقتصادی و سیاسی در حکومت اسلامی ایران نهادینه شده است. هنگامی که رییس قوه قضاییه حکومت اسلامی، 63 حساب شخصی به نام خود دارد و پس از این که به رسانه‌ها کشیده شد صادق لاریجانی، ماجرای 63 حساب 1000 میلیاردی خود در قوه قضاییه را از سر باز کرده و گفت که این مسئله مربوط به سال 74 و با مجوز رهبر حکومت اسلامی است. گفته می‌شود سود سالانه صادق آملی لاریجانی، به 250 میلیارد تومان رسیده است.

نوسانات ارز و سقوط آزاد ارزش ریال، قبل از همه به زیست و زندگی محرومان و مزدبگیران جامعه ضربه می‌زند. چرا که بلافاصله قیمت کالاهای ضروری مردم در بازار بالا می‌رود و خانواده‌های بیش‌تری به فقر و گرسنگی می‌کشد.

این اقتصاد مافیایی حاکمیت، سبب شده است که آسیب‌های اجتماعی از خط قرمزها بگذرند و به مراحل خطرناکی برسند. اکنون بیکاری و تورم و گرانی، برای اکثریت جامعه ایران، کمرشکن و غیرقابل تحمل شده است. از این‌رو، امسال شاید سال تصفیه حساب نهایی محرومان و ستم‌دیدگان و استثمارشدگان با کل حاکمیت جمهوری اسلامی باشد! در حالی که خود مسئولین حکومتی می‌گویند خط فقر در کشور نیز 2 میلیون و 600 هزار تومان است اما دستمزد کارگران برای سال 97، یک میلیون و 100 هزار تومان تعیین کرده‌اند. واقعا با این درآمد ناچیز، خانواده‌های کارگری چند روز می‌توانند زندگی کنند؟ اما به گفته «وحید شقاقی شهری»، اقتصاددان و استاد دانشگاه، در حال حاضر در کلانشهرها به‌ویژه تهران، خط فقر نزدیک به 4 میلیون تومان برای یک خانواده 3 تا 5 نفره است. حسین راغفر، معتقدند این آمار خوش‌بینانه است و تعداد افرادی که در فقر شدید به سر می‌برند به 5 میلیون نفر می‌رسد.

بسیاری از حاشیه‌نشینان کلان‌شهرها که میزان بیکاری در میان آن‌ها بالاتر از متوسط کشور است از محروم‌ترین قشرهای جامعه محسوب می‌شوند. انوشیروان محسنی، رییس سازمان بهزیستی، گفته است 12 تا 13 میلیون نفر از جمعیت ایران حاشیه‌نشین هستند.

ادامه در ص 6

بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!

کمون

از اعتراضات بر حق و عادلانه خلق عرب خوزستان

دفاع می کنیم!

اعتراضات مردم اهواز و دیگر شهرهای خوزستان، به آنچه که «انکار هویت و خوار کردن عرب‌ها» می‌نامند، همچنان ادامه دارد. ظاهراً برنامه‌های سیمای جمهوری اسلامی مردم را به خیابان‌ها کشانده، اما مطالبات مردم فراتر از این‌هاست.

معرضان عرب اهوازی از چهارشنبه 8 فروردین 1397، به خیابان‌های اهواز، آبادان، خرمشهر، شادگان، حمیدیه، ماهشهر، کوه عبدالله، شبیان و چند شهر عرب‌نشین دیگر آمده و در اعتراض به آنچه تلاش برای «انکار هویت و خوار کردن عرب‌ها» می‌نامند، شعار می‌دهند. دوم فروردین 1397، در یک میان‌برنامه که از شبکه دوم صدا و سیمای ایران پخش شد، عروسک‌هایی که لباس خلق‌های مختلف در ایران را بر تن دارند، روی نقشه چسبانده می‌شوند ولی به جای عروسک عرب، روی جنوب غرب ایران عروسک دیگری چسبانده شد.

در یک برنامه تلویزیونی دیگر نیز این موضوع مطرح شد که «اکثر آبادانی‌ها بوشهری هستند». این دو برنامه سبب شد خلق عرب جنوب ایران که عمدتاً ساکن جنوب و جنوب غرب ایران و به‌ویژه استان خوزستان هستند، به توهین و انکار وجود عرب‌ها در ایران دست به اعتراض و راهپیمایی بزنند. آن‌ها در ابتدا مقابل ساختمان صدا و سیما در اهواز تجمع کردند و خواستار عذرخواهی رسمی صدا و سیما شدند ولی این تجمعات اندک اندک گسترده‌تر شد و به مناطق مرکزی اهواز و همچنین به دیگر شهرهای عرب‌نشین کشیده شد. تجمعاتی که در آن شعارهایی فراتر از درخواست عذرخواهی مطرح گردید و شعار سرنگونی حکومت اسلامی سر داده شد. از نظر شیوه طرح مطالبات می‌توان اعتراضات مردم اهواز را مشابه اعتراضات دی‌ماه 1396 در حدود 100 شهر ایران دانست. در هر دوی این اعتراضات مردم در ابتدا مطالباتی جزئی مطرح کرده اما با استمرار اعتراضات مطالبات بزرگتری را پیش کشیدند. در اعتراضات دی‌ماه 96 سطح مطالبات و شعارهای مردم هم‌زمان علیه خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی و حسن روحانی رییس جمهوری آن نیز رسید.

در اهواز مردم در روزهای اول خواستار عذرخواهی صدا و سیما شدند ولی با گذشت چند روز و بی‌پاسخ ماندن این مطالبه، در شعارهای سر داده شده توسط معترضان، مطالبات دیگری نیز همچون حق تحصیل به زبان مادری، حقوق معوقه کارگران، مشکلات بیکاری، استخدام‌های غیربومی، انتقال آب از سرشاخه‌های کارون، توقف روند تخریب محیط زیست، تغییر نگاه امنیتی حاکم بر استان، متوقف شدن روند دستگیری و زندان کنشگران عرب، تاسیس روزنامه و رسانه‌های مستقل به زبان عربی از جمله مطالباتی است که از سوی معترضان مطرح گردید. شایان ذکر است که از سال جدید، اعتصاب‌های کارگری و اعتراضات مردمی، همچنان در شهرهای مختلف ایران ادامه دارد از جمله:

* ساعت 1 بامداد سه‌شنبه 14 فروردین در جریان آتش‌سوزی در قهوه‌خانه‌ای در اهواز دستکم 25 تن کشته و زخمی شدند. مدیر روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اهواز در این خصوص گفت در جریان آتش‌سوزی در قهوه‌خانه «بازار کیان» دستکم 11 تن کشته و 14 نفر دیگر دچار سوختگی شدند. در عملیات اطفای حریق سه نفر از آتش‌نشانیان نیز مصدوم شدند. سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی اهواز اعلام کرده که احتمالاً قهوه‌خانه در پی اتصال برق و انفجار کپسول گاز دچار حریق شده است.

مهر، مدعی شده است: «متهم بعد از دستگیری به اقدام جنون‌آمیز خود اعتراف کرده است و بازسازی صحنه جرم نیز در محل در صبح امروز انجام شده است.» محمد صفری، فرمانده انتظامی اهواز، ادعا کرده که «فرد دستگیر شده یک جوان 17 ساله است که به علت اختلاف با مدیر قهوه‌خانه که شوهرخاله وی به شمار می‌رود، دست به این اقدام زده است.» او، همچنین در گفتگو با خبرگزاری این در حال‌است که مقام‌های محلی پیش‌تر نیز از احتمال «عمدی» بودن حادثه خبر داده و علت آن را «اختلافات شخصی» عنوان کرده بودند.

* روز دوشنبه 13 فروردین 1397، در اثر تیراندازی مستقیم ماموران نیروی انتظامی شاخه مرصاد سراوان به سمت یک خودرو حامل مهاجران افغانستانی که از مرز می‌آمدند، در مسیر سراوان - گشت دستکم 4 شهروند افغانستانی کشته و 14 نفر دیگر زخمی شدند و راننده بلوچ آن در پی شدت جراحات نیز به کما رفت. افراد کشته و زخمی شده به بیمارستان سراوان منتقل شدند و برخی مجروحان نیز در بخش فوریت‌های پزشکی تحت درمان قرار گرفتند.

پیش‌تر نیز «عبدالواحد رنیمی» اهل ساریوگ از توابع قصرقند، مورخ چهارشنبه 8 فروردین ماه 1397، توسط ماموران پاسگاه ساریوگ مورد اصابت چند گلوله قرار گرفت و به خاطر وخامت حال ناشی از خونریزی شدید جان خود را از دست داده بود. عبدالواحد رنیمی، حدوداً 10 گونی برنج به همراه داشته است.

* به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، پس از تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری در روز چهارشنبه 8 فروردین و سخنرانی معاون فرماندار و دادن قول‌ها و وعده‌های پیگیری مشکلات کارگران در جمع آنان برای حدود 20 نفر از این از طرف دادستانی شهر شوش احضاریه کتبی صادر شد.

در این احضاریه قید شده بود که این کارگران باید در ساعت 9 صبح روز شنبه 11 فروردین به دادستانی شوش مراجعه کنند. اما ساعت یک بعد از ظهر روز 11 فروردین، نیروی انتظامی به همراه نیروهای امنیتی با حکم جلب این کارگران به شرکت نیشکر هفت‌تپه وارد شدند و اقدام بازداشت تعدادی از کارگران کردند. نیروهای انتظامی و امنیتی بعد از بازداشت تعدادی از کارگران در شرکت نیشکر هفت‌تپه جهت بازداشت مابقی، به آدرس‌های مسکونی آنان مراجعه کرده‌اند. تاکنون اسامی تعدادی از بازداشت شدگان به نام‌های «سید حسن فاضلی»، «فواد بدوی»، «ساجد الکثیر»، «حسن الکثیر»، «محمد خنیفر»، «سعید منصوری»، «حبیب چنانی»، «چاسم حمدانی»، «مهدی ثاعمی» و «چاسم حمدانی» احراز شده است.

تعقیب و گریز نیروی انتظامی و امنیتی جهت بازداشت این کارگران تا انتشار زمان تنظیم این خبر در هفت‌تپه و شهرک‌های مسکونی کارگران ادامه دارد. رحیم بساک و قربان علیپور، اعضای هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت‌تپه، و کرامت پام و اسماعیل بخشی، فعالان این سندیکا، روز یکشنبه 27 اسفند 1396 به اتهام «شرکت در اعتصابات» به شعبه سوم دادپاری دادگستری شوش احضار و محاکمه شدند.

ادامه در ص 4



نشریه «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»
هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

سردبیر: بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

همکاران نشریه: غزال علیالی، سارا محمدی،
اهون چیاکو، جلال سبزواری، وحید محمدی،
امین قضائی، شاهین محمدی و مراد عظیمی.

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و
خلق‌های ایران»:

* بهرام رحمانی

امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

* اهون چیاکو

امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دمکراتیک
جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های
ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری،
سکولار، آنارشیست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو
را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به
مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی
دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران،
صریحا اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دمکراتیک،
حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم
شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری
اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این
حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار
خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران،
از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و
برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی
مردمی، تشکل‌های توده‌ای، کارگری و فعالین
سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به
همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

هر متقاضی عضویت که رنوس راهکارهای پلاتفرم... را پذیرفته باشد هنگامی به عنوان عضو پذیرفته می‌شود که:

*دومعرف فعال در پلاتفرم... او را معرفی و عضویت او را توصیه نمایند.

وظایف عضو:

از اصول کلی رنوس راهکارهای پلاتفرم... و مصوبات آن تبعیت کند.

حقوق عضو:

*در بحث و اظهار نظر پیرامون مواضع و سیاست‌های پلاتفرم از طریق جلسات شرکت کند

*ارائه پیشنهادات و انتقادات به مسئولین مربوطه.

*حقوق انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه انتخابات پلاتفرم.

*حق رأی مساوی در تصمیم گیری های پلاتفرم.

کناره‌گیری از عضویت

*عضویت در پلاتفرم... داوطلبانه است بنابراین، هر عضو می‌تواند به دل خواه خود از عضویت در پلاتفرم... کناره‌گیری نماید.

*چنانچه عضو خواهان کناره‌گیری باشد باید درخواست خود را رسماً به مسئولین پلاتفرم... اطلاع دهد.

تبصره:

عضویت سازمان‌ها و احزاب و تشکل‌ها در «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران» شرایط متقابل دیگری دارد که می‌توان در نشست مشترک مسئولین پلاتفرم و متقاضی عضویت مطرح گردد.

فرم درخواست عضویت

مشخصات متقاضی عضویت

نام:

نام خانوادگی:

سال تولد:

محل فعلی اقامت (کشور - شهر):

شماره تلفن:

ایمیل آدرس:

فیس‌بوک:

سابقه فعالیت سیاسی و تشکیلاتی در سازمان‌ها و احزاب و...

چگونه با پلاتفرم دمکراتیک... آشنا شدید؟

نام و نشانی دو نفر از فعالین پلاتفرم را که با آن‌ها در تماس هستید بنویسید. چگونه و از چه طریقی با آن‌ها در تماس بودید و یا هستید.

نام و نشانی دو نفر از فعالین پلاتفرم را که با آن‌ها در تماس هستید بنویسید. چگونه و از چه طریقی با آن‌ها در تماس بودید و یا هستید.

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، در تلاش است که نقش آگاهانه خود را در جهت برقراری یک دنیای بهتر و انسانی‌تر ایفا کند و در این راستا، از پیوستن همه نیروهای ضدسرمایه‌داری از نیروهای برابری‌طلب، آزادی‌خواه، چپ و آنارشیزست گرفته تا فعالین سوسیالیست و کمونیست استقبال می‌کند؛ نیروهایی که برای تحقق جامعه‌ای عاری از هرگونه ستم و سرکوب، سانسور و اختناق، تبعیض و نابرابری و استثمار تلاش و مبارزه می‌کنند. ما با تمام نیرو می‌کوشیم که جنبش‌های اجتماعی - سیاسی با کلیه سازمان‌ها و نهادها و احزاب آزادی‌خواه، مساوات‌طلب و حق‌طلب کارگری، زنان، دانشجویان، نویسندگان، هنرمندان و همچنین مردم تحت ستم و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، علیه کاپیتالیسم و کلیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران تقویت کنیم.

آرزو و آرمان ما، برافراشته شدن پرچم آزادی، برابری و عدالت اجتماعی در سراسر ایران و جهان است. ما می‌خواهیم همه شهروندان جامعه ایران، بدون در نظر گرفتن جنسیت، ملیت، باورهای مذهبی و گرایشات سیاسی از حقوق یکسان و برابر برخوردار گردند و به شهروندان درجه یک و دو سه و... تقسیم نشوند.

آنچه پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران را به عنوان یک جنبش و یک آرمان اجتماعی از تلاش‌های آزادی‌خواهانه، مساوات‌طلبانه و عدالت‌جویانه تاکتونی متمایز می‌کند، اینست که چه از نظر عملی و اجتماعی و چه از نظر آرمانی و فکری در برابر تفرقه‌اندازی و رقابت سرمایه‌داری برای قدرت و ثروت و پست و مقام و باور سنتی «دولت - ملت» را قاطعانه رد می‌کند و ساختن یک جامعه مدرن و پیشرفته آزاد و برابر سیاسی - طبقاتی را مدنظر دارد. در این مدل سیاسی، به دلیل این که هیچ پست و مقام و ثروتی برای تقسیم وجود ندارد و همه انسان‌ها برابری طبیعی‌ست که هیچ‌گونه رقابت ناسالم نیز وجود ندارد جز تلاش بی‌وقفه برای دوستی و رفاقت و همبستگی همه انسان‌هایی که درد مشترک و راه‌حل مشترک دارند.

در مدل سیاسی مدنظر ما، مدل حزبی کلاسیک و سازمان‌دهی عمودی و سلسه مراتبی جایی ندارد. البته بدون این که وجود سازمان‌ها و احزاب سیاسی را نفی کنیم و یا مخالف آن‌ها باشیم. نحوه سازمان‌دهی و فعالیت ما، افقی و با روابط و مناسبات شورایی و دموکراسی مستقیم است.

اصول آرمان و باورهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پلاتفرم... نقد و رد مناسبات نابرابر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سیستم کاپیتالیستی است و افق آزادی‌خواهی و برابری‌طلبی اساس فکری ماست. اما مسلم است که هر مقدار تغییر وضع موجود به نفع ستمدیدگان و محرومان و سرکوب‌شدگان، راه را برای دست زدن به تحولات سرنوشت‌ساز هموار می‌سازد بنابراین، ما از آن عناصر و نیروهای آزادی‌خواه که تنها بخشی از این مبارزات را تقویت می‌کنند برای پیوستن به پلاتفرم... استقبال می‌کنیم. همبستگی با مبارزات جوامع دیگر و حمایت از مبارزات بر حق و عدالته آن‌ها را جزء وظایف آگاهانه و داوطلبانه خود و هر نیرویی می‌دانیم که با ستم و تبعیض و استثمار انسان از انسان مخالف است.

شرط لازم برای عضویت هر فرد در «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران» به شرح زیر است:

*پذیرش رنوس راهکارهای پلاتفرم
*فعالیت در زمینه‌های مختلف آزادانه و داوطلبانه است.

شرایط و نحوه عضویت

در «پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها

و خلق‌های ایران»

مقدمه

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، چه برای این مرحله که درگیر مبارزه‌ای سخت و بی‌وقفه با حکومت اسلامی ایران برای سرنگونی تمامیت آن است و چه برای مرحله پس از آن، راهکارهای تاکتیکی و استراتژیکی خود را داراست. اما میانی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کنفدرالیسم دمکراتیک می‌تواند با گذشت زمان و طی مراحل مختلف مبارزه شفاف‌تر و کامل‌تر شود.

در این مرحله، علاوه بر مبارزه علیه حکومت اسلامی و ایجاد همبستگی و گسترش همکاری با جنبش‌ها، سازمان‌ها و احزاب آزادی‌خواه و عدالت‌جوی منطقه، در عین حال تبلیغ و ترویج اهداف پلاتفرم، عضوگیری و سازمان‌دهی شورایی و برپایی مجامع عمومی شهری و کشوری و سراسری بخش دیگری از فعالیت‌های ما را تشکیل می‌دهد.

بی‌شک فعالیت‌های جدی و بی‌وقفه در این مرحله، اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های پلاتفرم را برای مرحله پسا حکومت اسلامی، محکم‌تر و منسجم‌تر خواهد کرد. مبارزه در مرحله پس از حکومت اسلامی، در واقع تلاش برای برپایی شوراهای کمیته‌ها، مجالس عمومی و تشکل‌هایی است که به مجامع عمومی خود اتکا دارند و در این مجامع است که تصمیمات کوچک و بزرگ اتخاذ می‌شود و مستقیماً به مرحله اجرا می‌رسد. یعنی بر خلاف سیستم کاپیتالیستی همه قوانین و تصمیمات نه از بالا، بلکه از پایین اتخاذ می‌گردد. همه حق کاندید شدن و انتخاب شدن دارند.

با این وجود، شاید پاره‌ای از رفقا سطح همکاری و عضویت خود در پلاتفرم را به مرحله کنونی، یعنی مرحله مبارزه در جهت سرنگونی حکومت اسلامی، محدود کنند و در رابطه با مرحله دوم و خودمدریتی دمکراتیک سنولات و ابهاماتی داشته باشند. از نظر ما، این ابهامات و سنولات طبیعی است و به بحث و گفتگوی بیش‌تری نیاز دارد. بنابراین، ما به همه رفقای که فقط برای مبارزه در این مرحله، به پلاتفرم می‌پیوندند، خوش‌آمد می‌گوییم.

ما برای رفقای که به پلاتفرم می‌پیوندند زمینه‌های مختلفی همچون جوانان، نشریه، تلویزیون، ارتباطات، ترویج و تبلیغ، سازمان‌دهی و... در نظر گرفته‌ایم. اما روشن است که فعالیت در این زمینه‌ها کاملاً داوطلبانه است.

بدون تردید تغییر شرایط موجود و برقراری یک جامعه آزاد، برابر و انسانی بدون تبعیض و ستم آرزوی اکثریت مردم جهان است. با وجود رواج اهداف و برنامه‌ها و سیاست‌های به غایت راست و غیرانسانی فاشیستی، جنگ، درگیری‌های فرقه‌ای ناسیونالیستی و مذهبی و رشد خرافات در جامعه ایران و منطقه، زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها را حتی با طبیعت عمیقاً تحت تأثیر قرار داده است. اما با این وجود، مبارزه و امید به تغییر وضع موجود و رهایی یک موجه تعطیل‌ناپذیر همه رزمندگان و پیکارگران راه آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم در جهان است.

اشغال عفرین

اجتماعی را بیان می‌کنند. برابر با یک سنجش، تنها 39 درصد مردم موضع ترکیه نسبت به سوریه را می‌پذیرند و 66 درصد مردم فکر می‌کنند که حالت فوق‌العاده‌ای که اردوغان بر کشور تحمیل کرده است به اقتصاد ترکیه صدمه می‌زند، تنها 20 درصد مردم به سیستم قضایی و 17 درصد به رسانه‌های جمعی اعتماد دارند. مدیرکل موسسه سنجش نظرات «کی او ان دی» تا حدی متمایل به چپ ادعا می‌کند در حالی که حدود 60 درصد از انتخاب‌کننده‌های ترکیه قویا در راستای خطوط سیاست‌های حزب، یعنی طرفداران و مخالفان حزب توسعه و رفاه هستند، 40 درصد باقی مانده از مردم نسبت به حمایت از حزب بی‌تفاوت باقی مانده اند و بیش‌تر ترجیح می‌دهند مراقب وضعیت معاش زندگی روزانه‌شان باشند. این بخش از مردم بر این باورند که هیچ‌کدام از احزاب قادر نیستند مشکلات کشور را رفع و رجوع کنند.

یک موسسه سنجش آراء دیگر به‌نام «ام ا کی» گزارش می‌دهد که افراد کار آفرین و روشنفکران طرفدار حزب توسعه و رفاه، حتی اگر آن‌ها خاموش باقی بمانند، علامتی از نارضایتی را نشان می‌دهند. این گروه‌ها به‌ویژه از این‌که قرار است ائتلافی از حزب توسعه و رفاه با حزب ناسیونالیستی تشکیل شود نا راضی هستند. با وجود این حقیقت، که سیستم ریاستی با این هدف اتخاذ گردید که یک چنین ائتلافی را کنار گذاشت. اینان همچنین به «حکومت سیاسی یک‌فردی» مشکوکند.

با وجود تمام تلاش‌های اردوغان برای بنیان کردن یک نقش قدرتمند تمام عیار، هنوز عدم رضایت در نصف مردم جامعه وجود دارد. حمله نظامی به عفرین بالقوه موقعیت اردوغان را افزایش داده است. یا به سادگی می‌تواند بی‌ثباتی را تشدید کند. بعد چه می‌شود

چند روز پیش از شروع عملیات شاخه زیتون، ایهان بیلگن نماینده پارلمان چنین پیش‌بینی کرد: اگر حمله‌ای علیه عفرین انجام شود... اگر عملیات به نتیجه برسد موجب جنگ داخلی خواهد شد، یا اگر شکست بخورد کودتا اتفاق خواهد افتاد. ولی، هنوز هیچ‌کدام از این پیش‌بینی‌ها رخ ندادند، ولی خطرات کاهش نکرده‌اند. ترکیه دور اول را برده است، روحیه و موقعیت نظامی - سیاسی کردها را تضعیف کرده است. ولی، خیلی مانده که داستان به آخر برسد.

نیروهای کرد خود را بیش‌تر آماده کرده و مصمتم‌تر هستند تا از کانتون‌های باقی‌مانده کوبانی و جزیره دفاع کنند. حمله به کانتون‌های دیگر می‌تواند بی‌ثباتی بیش‌تری را کلید زند، به‌ویژه، اگر ترکیه حملاتش به‌سوی شرق سوریه را ادامه دهد. در چنین شرائطی، احساسات منطقه‌ای و جهاتی شعله‌ور خواهد شد. و ترکیه مجبور خواهد شد به خاطر سیاست استعماری هزینه‌هایی را برای میان مدت یا دراز مدت متحمل گردد.

اردوغان شاید بعد از پیروزی هفته گذشته خیلی خوشحال باشد. ولی، ادامه حملاتش به شمال سوریه بالقوه زمینه زیادی برای بروز انفجارهای شدید دارد.

مولفین این مقاله

گونی ایشی کارا، دانشجوی دکترای اقتصاد در نیو اسکول مشغول تحقیقات اجتماعی است. آلپ کایسرلی اوغلو فارغ‌التحصیل ارشد کارشناسی در فلسفه و تاریخ که اکنون در استانبول کار و زندگی می‌کند.

مترجم: مراد عظیمی



از اعتراضات بر حق و عادلانه خلق عرب ...

* کشاورزان اصفهان که به خشکانیدن زاینده‌رود و از بین رفتن حق‌آبه‌شان معترضند در تعطیلات نوروز نیز بیکار ننشستند.

آن‌ها سفره هفت‌سینی مختص خود پهن کرده بودند که در آن ماهی مرده، ساچمه‌های شلیک شده توسط نیروی گارد ویژه حکومت، قرار داشت. روز جمعه 10 فروردین نیز گروهی از کشاورزان با تراکتورهای خود آب بندی در مسیر زاینده رود را در منطقه لنجان بازگشایی کردند.

کلیپ‌هایی از این اقدام کشاورزان و جاری شدن آب در بستر خشکیده زاینده‌رود در فضای مجازی منتشر شده است. گفته می‌شود مسیری که توسط کشاورزان بازگشایی شده از سوی صنایع نظامی مسدود شده بوده است.

* رضا شهبایی، فعال کارگری سرشناس، ظهر روز پس از مراجعه به اداره گذرنامه برای دریافت پاسپورت خود، بازداشت شد. به گفته همکاران و خانواده رضا شهبایی، او ساعت 14 امروز به دادسرای اوین منتقل شده است. دلایل بازداشت این فعال کارگری مشخص نیست.

* یکی از اعضای حزب دموکرات کردستان به‌نام محمد ایرانی روز دهم فروردین‌ماه، در منطقه‌ای از کردستان عراق ترور شده است. قادر قادری، عضو حزب دموکرات کردستان نیز در پانزدهم اسفندماه 1396 ترور شد. در اسفندماه 96، همچنین انتشار خبر ترور صباح رحمانی، از اعضای این حزب، اعلام شده بود.

...



ویدئوها و تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان می‌دهد که شمار زیادی از شهروندان عرب اهواز در این روزها، با تجمع در خیابان‌های این شهر، به تظاهرات اعتراضی خود علیه رسانه حکومتی ایران ادامه داده‌اند. آن‌ها با سر دادن شعار به‌همراه پای‌کوبی سنتی مردان و هلهله زنان عرب، اعتراض خود را بیان می‌کنند. در گزارشات نهادهای حقوق بشری اهواز و رسانه‌ها، تعداد دستگیرشدگان بیش از 100 نفر اعلام شده است که در میان آن‌ها نام چند زن نیز دیده می‌شود. تصاویر منتشر شده در فضای مجازی از حضور پررنگ نیروهای امنیتی، خودروهای ضد شورش و آماده‌باش شبه‌کامل در اهواز خبر می‌دهند. از سوی دیگر، روز به روز شهرها و روستاهای دیگری به اعتراضات می‌پیوندند و فعالان شبکه‌های اجتماعی فراخوان‌های متعددی برای استمرار اعتراضات در اهواز و دیگر مناطق عرب‌نشین منتشر می‌کنند.

این نخستین بار نیست که پخش برنامه‌ای از صدا و سیما موجب اعتراض یکی از خلق‌های ایرانی می‌شود. پیش از این نیز پخش برنامه تلویزیونی فیتیه در آبان ماه سال 1394، موجب اعتراض و تجمع در چندین شهر ترک نشین ایران شده بود.

خلق عرب به مانند سایر خلق‌های ایران، ده‌هاست که به سرکوب، نژادپرستی و تبعیض نژادی حکومت اسلامی ایران معترض‌اند؛ بیکاری در این مناطق دو سه برابر مناطق دیگر کشور است، بحران ریزگردها و نابودی محیط زیست منطقه نیز بر سایر مشکلات افزوده شده و همین عوامل سبب نارضایتی خلق عرب شده است.

در گزارشات مختلف، آمده است که از هفته‌های آخر 1396 در ایران موجی از احضار و بازجویی‌ها در کردستان، آذربایجان غربی، تهران، کرمانشاه، ایلام و... آغاز شده که با آغاز سال جدید همچنان این احضارها ادامه دارد. تهدیدها و فشارهای جسمی و روانی بر زندانیان سیاسی و اجتماعی تشدید شده است. در واقع حکومت اسلامی ایران از دی ماه گذشته، برای مهار بحران‌هایش و جلوگیری از گسترش اعتراضات از یک‌سو سیاست سرکوب و سانسور را تشدید کرده و از سوی

دیگر، در تلاش است در جامعه و بین خلق‌های مختلف ایران تفرقه بیاندازد. عرب‌ستیزی و تحریک گرایشات شوونیستی و ناسیونالیستی، بخشی از این سیاست‌های تفرقه‌اندازی حاکمیت در جامعه ایران است. در چنین روندی ضرورت دارد که فعالین کارگری، زنان، دانشجویان، فرهنگیان، نویسندگان، هنرمندان، روزنامه‌نگاران، آزادی زبان‌های مادری، محیط زیست، نهادها، سازمان‌ها و احزاب، نسبت به این تفرقه‌اندازی‌ها حساس و هوشیار باشند.

بدون شک، اعتصاب‌های کارگری و اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف ایران، به‌ویژه اعتراضات مردم عرب خوزستان، همگی نشان می‌دهند که سال 97، سال مبارزات سرنوشت‌سازی است و دیگر مردم وحشتی از حکومت ندارند از این‌رو، عزم و اراده کرده‌اند تا با همبستگی انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود، این حکومت جهل و جنایت و سرکوب و استثمار را از اریکه قدرت پایین بکشند و سرنوشت جامعه را مستقیماً به دست خویش رقم بزنند.

ما از همه اعتصابات کارگری و مبارزات مردمی به خصوص از مبارزات مداوم خلق عرب جنوب ایران، در جهت سرنگونی کلیت اسلامی و برپایی یک جامعه آزاد و برابر و انسانی، حمایت می‌کنیم!

پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران
پنج‌شنبه 16 فروردین 1397 - 5 آوریل 2018

سمینار

«پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و

خلق‌های ایران»:

خیزش دی ماه سال گذشته

و جدال آلترناتیوها

سخنرانان و موضوع بحث‌ها:

* **محبوبه مشکین؛** «می‌خوام دنیا رو

عوض کنم اما دایه برای بچه‌ام پیدا

نمی‌کنم»

* **جلال سبزواری؛** وحدت ملی و مسئله

زبان

* **فرهاد بشارت؛** خیزش کارگری جاری و

بدیل‌های بورژوائی

* **بهرام رحمانی؛** آلترناتیو پلاتفرم

دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران

* **مجریان سمینار؛** نگین وطنی و

کاوه دوستکامی

زمان: شنبه 21 آوریل 2018، از

ساعت 14 تا 20

مکان: Stockholm, Järvaskolan,

Isafjordsgatan 30 C, kista

برگزار کننده: شورای هماهنگی پلاتفرم

جنبش‌ها و خلق‌های ایران - واحد استکلم

ورود برای عموم آزاد است.

تلفن تماس: 0046-707474336

مذهب بخشی از فرهنگ است و باید جنبه‌های بی‌آزار آن را حفظ کرد!

(بخش اول)

دکتر گلنراد مرادی

حدود دو سال پیش مقاله‌ای در رابطه با فرهنگ و ادیان نوشتم و منتشر کردم. به نظر من هرچه در این زمینه قلم زده شود هنوز هم کم است. بنا براین با اجازه خوانندگان عزیز و ارجمند، من نکاتی مهم به آن مقاله اضافه کرده و باز هم منتشر می‌کنم. آرزو دارم حوصله خواندن داشته باشید. محققین و دانشمندان شک می‌کنند که خدای وجود داشته باشد، از آنجا که همه ادعاها باید اثبات شود و آن‌ها اکنون نمی‌توانند، ادعای خود را ثابت کنند، لذا سکوت می‌کنند. همه مذاهب بدون استثناء و در هر گوشه‌ای از جهان بنا بر روحیه مردمان آن مناطق بنا نهاده شده است و برای این ادیان پیامبری که معمولا بنیان‌گذار آن بوده، خود را معرفی کرده است. برای مثال، چینی‌ها و ژاپنی‌ها و غیره بودایی اند که بودا یکی از شاه زادگان مبتکر آن بوده که از تاج و تخت گذشته است. برای رسیدن به نیروانا بودانسیسم را به‌وجود آورده، آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها و استرالیایی‌ها و بخش‌هایی دیگر از جهان، مسیحی اند که عیسی مسیح متولد از مادر باکره، بنام فرزند خدا، پیامبر مسیحیت شد. خاور نزدیک، خاورمیانه و بخشی از خاور دور یهودی و زرتشتی و مسلمان هستند و الی آخر که به ترتیب موسی، زرتشت و محمد پیامبران این ادیان اند. بر روی ویدئو زیر به زبان انگلیسی با زیر نویس فارسی، این جمله نوشته شده است: «دلایلی منطقی برای ایدان بودن»، درحقیقت چرا معتقدید و چرا این ایدان را انتخاب کرده‌اید؟ احتمالا پاسخ به آن، با دیدن این ویدئو در لینک پائین، چیزهایی که دستگیرشان خواهد شد که انتخاب مؤمنین به آئین‌ها را توجیه و توضیح خواهد داد.

<https://www.facebook.com/peymanp2/videos/10156248914848980/?t=66>

بین علم و احساس یا بین متریالیزم و ایدالیزم، همیشه این پرسش وجود داشته است که این جهان وماوراء آن، چگونه به‌وجود آمده‌اند؟ ایدالیست‌ها کار را ساده می‌کنند، چون می‌دانند اکثرا ساده‌پذیر اند، و می‌گویند: خدا همه چیز را خلق کرده است! اما متریاالیست‌ها می‌گویند، اگر قبول کنیم که جهان خلایقیت این خدای یک‌ناست، پس این خدا از کجا آمده و چه کسی او را خلق کرده است؟ ایدالیست‌ها استدلال غیر علمی برای آن می‌آورند که مورد پسند حتی بیش‌تر خودی‌ها نیست و متریاالیست‌ها نیز در حال حاضر نمی‌توانند ثابت کنند. با اطمینان و با کشف بقیه نامعلومات نهایتا موفق به اثبات آن می‌شوند. به‌ر حال هرچه علم پیش رفت کند و نا معلومات این جهان کشف و معلوم شوند یک کارت برنده بسود متریاالیست‌ها است. به‌علاوه تضادگونی که در کتب مقدس با علم فیزیک وجود دارد، غیرقابل حل می‌ماند. زیرا ادیان حرف خداوند را نمی‌توانند عوض کنند و بگویند خدا اشتباه کرده است. برای مثال، تضاد بین گالیله فیزی‌کدان صلح‌طلب ایتالیایی و کاردینال‌های کلیسا. گالیله می‌گفت کره زمین و ماه بدورخورشید می‌چرخند و کلیسا می‌گفت این دخالت در قوانین خداوند است و او را محاکمه و محکوم به اعدام کردند که به‌دلیل قسم گالیله به انجیل و پس گرفتن تنوری خویش!!

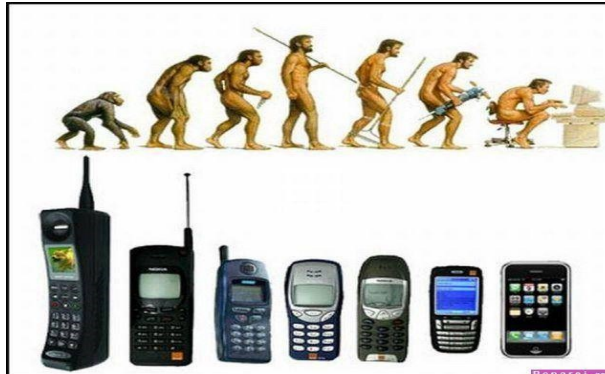
امروزه هر نو جوان 14 ساله‌ای می‌داند که گالیله درست می‌گفته و قسم مصلحتی او فقط برای نجات خود از مرگ بوده است و حتی پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان از طرف پیشینیان خود از روح گالیله عذرخواهی کرد و او را مقدس شمرد. به‌هرحال دادگاه کلیسا به‌دلیل قسم گالیله، در جرم مرتکب نشده او تخفیف داد و به زندان خانگی محکوم کرد. افسانه‌های یهودیت و زرتشتی‌گری برای کسی مورد قبول نیست، حتی برای خود مؤمنین. زن در اسلام، یعنی نیمی از جامعه بشریت از حقوق مساوی محروم است و خیلی چیزهای دیگر، که برای جلوگیری از طولانی‌شدن کلام فقط به این سه نمونه بسنده می‌کنم و از توضیح و ذکر بقیه چشم می‌پوشم. اگر در این زمینه پرسشی بود، تقاضا دارم، برایم بنویسید که در خدمتم. در این‌جا ضروری است که عقیده یکی از آیت‌الله‌های حدود 50 سال پیش را در مورد به‌وجود آمدن جانداران و نباتات بی‌آورم. شیخ محمد مردوخ کردستانی که از هواداران سخت مشروعه سلطنتی بوده، در تاریخ کرد و کردستان و (توابع)، صفحات 6 تا 8 چاپ سوم، جلد اول، بند دوم در آفرینش بشر داستانی آورده است که آب پاک روی دست همه مؤمنین به خدا را ریخته است. او می‌نویسد: «بشر از کجا پیدا شده - به‌هیچ‌وجه تردید نیست در این که عموم جانداران زمین از خود زمین به‌وجود آمده‌اند. و از جای دیگری یا کره دیگری به این‌جا نیامده‌اند. سابقا که زمین گرم‌تر بوده و قوه نامیه آن بیش‌تر و سریع‌تر بوده است، حیوانات درشت و گنده را تولید کرده است، از قبیل ماموت، فیل، شتر، اسب، گاو کرگدن، الاغ - و از پرندگان شترمرغ، میش‌مرغ، کرکس، عقاب باز و امثال آن ... بعد که زمین کمی سردتر شده، حیوانات کوچک‌تر را تولید نموده است، از قبیل شیر، پلنگ، خرس، میمون، انسان، گوسفند، بز- و از پرندگان کبک، تیهو، مرغ، کبوتر، شاهین و امثال آن ... حالا که مقدار دیگری درجه سردی زمین بالا رفته: یعنی حرارت آن کم شده است، می‌بینیم که حیوانات کوچک‌تر تولید می‌کند از قبیل مار، موش، مارمولک، بزجه، قورباغه لاکپشت، عقرب، ملخ، مگس، عنکبوت، پشه و امثال آن. راجع به انسان تورات و قرآن مصرح اند باین‌که اولین اصل این نسل که (ادم) می‌گویند، از زمین تولید شده است. خواه این تولید یک مرتبه و در یک محل آورده باشد. (اهل ادیان بیان قایل‌اند) ... که می‌گویند همیشه تخم از مرغ و مرغ از تخم - هسته از درخت و درخت از هسته درست می‌شود - ولی ما می‌گویم که درست شدن مرغ از تخم و درخت از هسته جای انکار نیست. اما این را هم نمی‌توان انکار کرد - که تخم تمام حیوانات و نباتات در زمین موجود و نهفته‌اند، و نیز می‌دانیم که تمام تخم‌ها (چه نباتی و چه حیوانی) همه مرکب اند و از عناصر مختلفه ترکیب یافته‌اند. ... برای این که بدانیم که حیوان، نباتات، چگونه از زمین درست می‌شوند.

یک قطعه زمین بانر خشک و خالی از هرگونه جانور و نبات را شخم و شیار می‌نمایم. سپس آبیاری می‌کنیم، پس از مدتی می‌بینیم که انواع علف‌ها و گل‌ها، اقسام جانوران ساخت امروزه از قبیل لاکپشت، مار، موش، کارتنک و امثال آن ... چه نر و چه ماده، در آن قطعه زمین بانر پیدا می‌شود. در صورتی که نه تخم علفی را در آن زمین کاشته بودیم و نه نطفه حیوانی را در آن‌جا گذاشته بودیم. فقط زمین را سست و متخلخل نمودیم که روشنائی و گرمی آفتاب و هوا و آب بتوانند سهل و آسان در ذرات آن نفوذ نمایند و عمل شیمیایی را به‌جریان بیندازد که در این‌حال هسته‌ها(موادحیه) که دست طبیعت در آن تیکه زمین ودیعه نهاده به جنبش و حرکت درآمده کم‌کم نشو و نما، می‌نمایند، و مراتب ارتقایی خود را طی می‌کنند. «البته شکی در آن نیست که این حضرت آیت‌الله بر اکثر کتب دینی تسلط کامل داشته‌اند، اما در علوم دیگر باید کمی شک کرد. من چند سال پیش به این کتاب آیت‌الله شیخ محمد مردوخ فقط استاد کرده بودم. نوه محترم ایشان که امروزه نیز در سوند زندگی می‌کند نامه‌ای برای بنده نوشته بود و اعتراض کرده بود، مبنی بر این که چرا به پدر بزرگ ایشان توهین کرده‌ام؟! گویا ایشان استاد را توهین می‌دانند و اگر نه من به‌خودم هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهم که به شخصیتی، اگر دشمن من هم باشد که خوشبختانه من دشمنی ندارم، جز منافع به خطر افتاده‌ها، توهین کنم. لذا فقط استاد کرده‌ام.

نگارنده بارها، شفاها و در برخی موارد کتبا نیز گفته و نوشته است که مذاهب بخشی‌هایی از فرهنگ جامعه‌اند و باید جنبه‌های مثبت آن‌ها را حفظ کرد و جنبه‌های منفی را با استدلال، نه از روی احساسات، رد یا قبول کرد و یا نسبت به جوانب افسانه‌ای آن‌ها کم توجه بود. تا زمانی‌که اکثر توده‌های پاکدل و باورمند از نظر تاریخی و اجتماعی و فلسفی کاملا آگاه نشوند و جهان پیرامون خود را نشانسانند، همه چیز را رد کردن و رادیکال بودن هیچ دردی را درمان نمی‌کند. پس باید در آگاهی همه جانبه توده‌ها، به سهم خود، کوشید. از این که می‌گویم مذاهب بخش‌هایی از فرهنگ جامعه‌اند، به این دلیل آن‌ها تراوش مغز نخبگان جامعه زمان خود اند، به‌ویژه که پدران ما عضوهای از جامعه بوده و به این مذاهب مهر تایید زده‌اند و با آن‌ها زیسته و قبول کرده‌اند. بنابراین رادیکال برخورد کردن کمی بی‌احترامی به والدین و تنگ‌نظرانه است. من شخصا احترام ویژه‌ای برای آن کسانی قائلم که می‌خواهند یک شبه همه چیز را عوض کنند. اما باید خوب فکر کرد چیزی که هزاران سال است، برایش تبلیغ مثبت شده و به‌دلیل ناآگاهی توده‌ها مهر تایید بر آن‌ها گذاشته شده، نمی‌شود یک شبه و حتا ده‌ها ساله عوض کرد. زیر و رو کردن آن نیاز به زمان دارد و هر چیزی را رد کردن باید استدلال شود. به‌هرحال نخست بایستی بدانیم فرهنگ چیست؟ به‌طوری که در واژه

نامه‌های مترقی و مردمی آمده است فرهنگ یا کلتور عبارت است از «مجموعه ارزش‌های مادی و معنوی جامعه بشری که در جریان فعالیت اجتماعی - تاریخی آن ایجاد شده است.» این تعریفی به‌طور کلی از واژه فرهنگ است. فرهنگ به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. یکم فرهنگ مادی و دوم فرهنگ معنوی: به زبان دیگر فرهنگ زیر بنایی و فرهنگ رو بنایی هستند.

ادامه دارد



آیا سال 97... بهرام رحمانی

عموما آوار ریخت و پاش‌ها و دزدی‌های مقامات و دستگاه‌های حکومت اسلامی، بر سر مزدبگیران و مردم محروم و بیکاران می‌ریزد. رشد هولناک آسیب‌های اجتماعی همچون خودکشی، اعتیاد، طلاق، فرار از خانه، تن‌فروشی، فروش ارگان‌های بدن، جنین‌فروشی و غیره حاصل بیکاری، گرانی، تورم و فقر و به‌طور کلی حاصل سیاست‌های غیرانسانی حکومت اسلامی است.

سرانه مصرف در کشور نصف شده، چند میلیون نفر در ایران کالری کافی در روز دریافت نمی‌کنند و البته وضعیت خانواده‌های کارگری و دیگر مزدبگیران که در دهه‌های قبل، شرایط مساعدی داشتند و امروز سقوط کرده‌اند، نکته جالب این‌جاست که در آخر دهه چهارم حاکمیت جمهوری اسلامی، سران و مسئولان حکومت هم اقرار می‌کنند که بخشی از شهروندان جامعه ایران، شب‌ها گرسنه می‌خوابند اما هیچ مقام و نهاد حکومتی، در قبال آن‌ها مسئولیتی را به عهده نمی‌گیرد.

این وضعیت اسفناک در مورد حوزه‌های دیگر هم صدق می‌کند. مثال روشن آن هم شبکه بانکی است. این شبکه بانکی محصول همان حکومتی است که امروز حتی تیم رییس جمهوری سابق آن، همگی متهم به اختلاس‌های بزرگی هستند و برخی نیز زندانی شده‌اند.

نظام اقتصادی ایران، در دست افراد و موسسات مالی و اعتباری مافیایی گرفتارند. آن‌ها نظام دل‌خواه خود را ایجاد کردند و نظام بانکی را در انحصار مطلق خود دارند. همین گروه نرخ سودهائشان را بالا بردند و میلیاردها تومان از پول مردم را جذب کردند. همان گروه این پول را برداشتند و رفتند و الان هم خبری از آن‌ها نیست. این رفتارها سازمان‌یافته گروه نزدیک به مراکز مهم قدرت سیاسی حاکم هستند.

امروز می‌دانیم که ایران با بحران بیکاری، فقر، محیط زیست، آب و هوا و چالش‌های بسیار بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی مواجه است، اما در ایران یک مشکل بزرگ و اساسی وجود دارد و آن هم «بحران مدیریت» است. در حال حاضر علاوه بر این بحران‌ها، بحران‌های دیگری هم وجود دارد.

بحران سرمایه‌گذاری و بحران فقدان کارآمدی در نظام اقتصادی به حدی است که ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران از کارآمدگی افتاده است.

در چنین وضعیتی، هر چند هنوز ایران به فروپاشی اقتصادی نرسیده است ولی در آستانه نیاز به جراحی بزرگ و عمیق قرار دارد. در عین حال حاکمان جامعه ایران، منتظر معجزه‌های هستند که با اتکا به آن، شاید بتوانند فضای ایران را ثبات بخشند و جلو تغییرات سیاسی - اجتماعی را بگیرند و یا از سرعت آن بکاهند. هدفشان این است که به هر بهایی حاکمیت خود را حفظ کنند.

البته حکومت اسلامی ایران، در لبه پرتگاه قرار گرفته است و راه نجاتی ندارد. در جاهایی هم شیب منفی وجود دارد ولی با سرعت بسیار زیاد از گذشته است.

موضوع اصلی امروز اقتصاد ایران، میلیتاریستی است و هدف اصلی‌شان چرخاندن ماشین جنگی حاکمیت است. امروز هم نگاه دولت روحانی همانند دولت‌های سابق این است که اولویت‌های هزینه‌ای خود را تامین کنند بدون این که کمترین توجهی به وضعیت مردم و خدمات عمومی داشته باشند. به عبارت دیگر، اولویت هزینه‌های دفاعی و نهاد‌های مذهبی بر هزینه‌های معیشت مردم و هزینه‌های عمرانی کشور اولویت دارد.

در سطح منطقه‌ای نیز نیروهای سپاه پاسداران حکومت اسلامی در درگیری‌های داخلی سوریه، یمن، لبنان، عراق و افغانستان نیز حضور آشکار و نهان دارند و سالیانه میلیاردها دلار از ثروت‌های عمومی جامعه ایران، صرف تروریسم و جنگ و خشونت حکومت اسلامی با رقبایش می‌شود. حکومت اسلامی ایران، در جنگ داخلی هفت ساله سوریه و در دفاع از حکومت جانی سوریه، علاوه بر این که صدها افغانی، پاکستانی، عراقی و سپاه پاسداران را به کشتن داده، بلکه اگر کمک‌های مادی و معنوی و نیروی انسانی حکومت اسلامی نبود شاید هم حکومت سوریه سال‌ها پیش سقوط کرده بود. در حال حاضر نیز رقابت حکومت اسلامی ایران، عربستان سعودی، اسرائیل، آمریکا و برخی دولت‌های اتحادیه اروپا به اوج خود رسیده است باز هم ایران در معرض تحریم اقتصادی و حتی جنگ قرار گرفته است.

مهمتر از همه، بقای حکومت اسلامی ایران، نه تنها هیچ سودی برای اکثریت شهروندان ایران ندارد، بلکه برای شهروندان منطقه نیز کمترین سودی ندارد. دفاع و حمایت حکومت اسلامی ایران از حزب‌الله لبنان، حکومت پشدار اسد، حوثی‌های یمن، حماس فلسطین، حکومت شیعه عراق و... هیچ ربطی به مردم آزاده این کشورها ندارد. چرا که حکومت اسلامی در این کشورها از حکومت‌های و سازمان‌های سرکوب و ترور دفاع می‌کند نه از رفاه و آزادی‌های مردم این کشورها.

به حال حکومت اسلامی ایران، چاره‌ای به غیر از حرکت در همین مسیرهای بحران‌زا ندارد. این‌جاست که بیان این جمله که ایران به سمت فروپاشی می‌رود مصداق پیدا می‌کند.

با پایان یافتن سال 1396، اعتراضات و دغدغه‌ها و نگرانی‌های مردم در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط زیست پایان نیافت و به سال جدید منتقل شد. چرا که عوامل نگرانی و دغدغه‌های آن‌ها، تا برطرف شدن ریشه‌های آن پایرجا می‌ماند. در سالی که گذشت در ایران، با مسائل مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و سیاسی درگیر بود. از سوی مسئله بیکاری، تورم و مشکلات معیشتی بخشی از جوانان و از سوی دیگر مصائب شغلی کارگران، کشاورزان، معلمان و سایر اقشار باعث شد صدای اعتراض آن‌ها را بلند کند.

تخریب طبیعت، خشک‌سالی، تغییر اقلیم و عدم مدیریت منابع آبی در ایران به جایی رسیده که کشور به گواه همه متخصصان حوزه محیط زیست، مدیریت منابع آب و اقلیم شناسان در وضعیت بحران آبی قرار گرفته است. به‌تازگی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارشی از وضعیت بحران آبی در ایران منتشر کرده است و آنچه از متن‌های این گزارش مهتر به‌نظر می‌رسد، نمودارهایی است که مستقیماً به بحران آبی در ایران اشاره می‌کند.

در عرصه سیاست خارجی نیز جنگ لفظی بین سران ایران با سران آمریکا، عربستان، اسرائیل بالا گرفته است. بحث مداوم در مورد چگونگی برخورد ترامپ رییس‌جمهور آمریکا با توافق هسته‌ای، زمه‌های تحریم اقتصادی جدید ایران و همچنین اعتراض‌هایی در مورد برخورد کشورهای اروپایی با برنامه‌های موشکی حکومت اسلامی ایران، تنها نمونه‌هایی هستند از چالش‌هایی که ایران در سال 96 با آن‌ها دست به گریبان بوده است.

یکی از بحران‌ها پیش روی در سال 1397 در عرصه بین‌المللی، امکان تحریم مجدد ایران و حتی احتمال درگیری نظامی است. سیاست‌های منطقه‌ای حکومت اسلامی و برنامه موشک‌های بالستیک و تهدید رقیبانش چون آمریکا، عربستان سعودی، اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، آلمان و انگلستان، تداوم «برجام» را بر هاله‌ای از ابهام فرو برده است.

سیاست‌هایی که متحدان آمریکا را در سال 96، بیش از پیش بر آن داشت تا با فشار بر ایران، مقام‌های حکومت اسلامی را برای تغییر در رویکردشان در این حوزه‌ها ترغیب کنند. اما سفر اسفندماه وزیر خارجه فرانسه به تهران و بازگشت او «با دست خالی» به پاریس، نشانگر تداوم سیاست‌های حکومت اسلامی در مسیر قبلی و تداوم فشارهای بین‌المللی در سال جاری است.

بدین ترتیب، بیکاری، رکود و تورم اگرچه در هر سخنرانی سیاسی اقتصادی همراه با وعده‌هایی که در این باره ارائه می‌شود از محورهای اصلی سخنان مقامات و مسئولین حکومتی محسوب می‌شود اما آن‌ها، نه تنها هیچ راه‌حلی در جهت رفع دغدغه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم ندارند، بلکه همچنان بقای خود را در تشدید سانسور و سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام می‌بینند. سیاستی که پس از چهار دهه نه تنها نتوانست مردم را مرعوب کند، بلکه در همین چند ماه پیش یک شورش عمومی در سراسر ایران به وقوع پیوست و هم اکنون نیز اعتراض‌ها در اکثر شهرهای ایران کمابیش در جریان است. بنابراین، فروپاشی این حکومت با قدرت و مبارزه مردم آزاده، و به ویژه از مهر ماه سال گذشته آغاز شده و قرآن نشان می‌دهد که در سال جاری اعتصاب کارگران و اعتراض‌های مردمی به اوج خود خواهد رسید.

اما آنچه در این شرایط برای کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان، روشنفکران، هنرمندان، روزنامه‌نگاران و خلق‌های تحت ستم سراسر ایران حائز اهمیت است اتحاد و همبستگی و حضور فعال‌شان در مبارزه محلی و سراسری است. در این شرایط جدال آلترناتیوها نیز فعال‌تر است.

در میان جدال آلترناتیوها، پلاتفرم دمکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، وظیفه خود می‌داند که با نیروهای رادیکال و سرنگونی‌طلب آزادی‌خواه و برابری‌طلب و چپ همکاری کند؛ و در عین حال محکم و قاطع «دولت - ملت» را رد نماید و بر خودمدریته دمکراتیک مردمی تاکید ورزد. اولویت ما هم امروز و هم فردا، سازمان‌دهی شوراهای و مجالس مردمی است که در فردای حکومت اسلامی مدیریت جامعه را به عهده بگیرند!



اشغال عفرین

ولی، وقایع تا حدی تغییر کرد. بعد از تهاجم گسترده، ارتش ترکیه و نیروهای متحدش به سرعت به سوی شهر عفرین حرکت کردند، این نیروها از چندین جبهه و با حمایت بمباران هوایی شهر عفرین را محاصره کردند. کشتار غیرنظامیان هرلحظه افزایش یافت. اردوغان گفت که قصد دارد پناهنده‌های عرب سوریه در ترکیه را بجای مردم کرد در عفرین مسکون کند، و مردم کرد عفرین را با زور از شهر اخراج کند، شیخ پاک‌سازی قومی در عفرین در افق ظاهر شد. سازمان‌های حقوق بشر از وقوع عفرین فاجعه در عفرین هشدار دادند و خواهان اقدامات بین‌المللی شدند. هیچ‌کدام از این دلوایسی‌های ارتش ترکیه و متحدین جهادی‌اش را متوقف نکرد. در 18 مارس این‌ها مرکز عفرین را اشغال نمودند، و پرچم ترکیه را در کنار پرچم نیروهای سوریه آزاد بالا بردند و مجسمه کاوه آهنگر، قهرمان اسطوره‌ای کردها و ایرانیان را پائین کشیدند، کسی که قیامی علیه ضحاک مار بدوش سفاک را رهبری کرده بود. گرچه این حرکات نمادین بودند، ولی نیات درونی تهاجم ترکیه به عفرین را برملا کرد. سیاست توسعه‌طلبی و دشمنی ضد کردها را.

بعد از مقاومت وای‌پی‌جی و وای‌پی‌ژ به مدت 58 روز، نیروهای وای‌پی‌جی و وای‌پی‌ژ تصمیم به عقب‌نشینی کردند، تا از کشته شدن مردم غیر نظامی بیش‌تری جلوگیری کنند. نیروهای وای‌پی‌ژ و وای‌پی‌جی اعلام کردند که مبارزه وارد فاز نوبنی شده است، و آن‌ها به تاکتیک جنگ و گریز ضربه بزن و ناپدید شو، به‌جای نبرد کلاسیک جبهه‌ای مستقیم با نیروهای دشمن ادامه خواهند داد.

اولین نشانه‌های تاکتیک جدید روز دوشنبه پدیدار شد: درحالی‌که متحدین جهادی ارتش ترکیه خانه‌های مردم و مغازه‌های عفرین را غارت می‌کردند بمبی منفجر شد و تعداد زیادی از جهادی‌ها کشته شدند. صالح مسلم رهبر سابق مشترک حزب اتحاد دموکراتیک (PYD)، و اکنون نماینده کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه در خارج کشور نیز اتحاد تاکتیک جدید را تأیید نمود، صالح مسلم در فضای مجازی تویت کرد که عقب‌نشینی در یک نبرد هرگز به معنای این نیست که ما جنگ را باختیم.

بازیگران دیگر عرصه

ترکیه نمی‌توانست بدون توافق مستقیم با غیرمستقیم بازیگران خارجی به عفرین تجاوز کند. در این میان نقش روسیه و آمریکا به‌ویژه برجسته بود. روس‌ها آشکارا از حمله ترکیه به عفرین دفاع کردند، آن‌ها آمریکا را به‌خاطر پیوندشان با کردها سرزنش کردند، و از این‌رو ترکیه را «تحریک» نمودند. روسیه نیز مانند آمریکا آسمان شمال سوریه را کنترل می‌کرد، و بدون توافق روسیه هواپیماهای ترکیه نمی‌توانستند در آسمان عفرین پرواز کنند، و بدون حمایت هوایی حمله ترکیه به عفرین ناممکن بود. منافع روسیه ایجاب می‌کند که شکاف بین ترکیه و آمریکا را گشادتر کند، و بدین ترتیب امتیازی علیه ناتو کسب کرده باشد.

از سوی دیگر، آمریکا آن‌چنان که انتظار می‌رفت از متحدش دفاع نکرد، و تأکید نمود که پیوندش با کردها به جنگ علیه داعش محدود است. بخشی از این ملاحظات آمریکا بی‌شک به عضویت ترکیه در ناتو مربوط می‌شود. دادن اجازه به ترکیه تا به عفرین حمله کند به نسبت راه آسانی برای آمریکا بود که تنش‌های اخیر در روابطش با ترکیه عضو ناتو را ترمیم کرده باشد.

عضویت ترکیه در ناتو مربوط می‌شود. دادن اجازه به ترکیه تا به عفرین حمله کند به نسبت راه آسانی برای آمریکا بود که تنش‌های اخیر در روابطش با ترکیه عضو ناتو را ترمیم کرده باشد.

با این وجود هر انگیزه‌ای، یک موضوع در باره روسیه و آمریکا روشن است: نه آمریکا و نه روسیه هیچ علاقه‌ای ندارند که جنبه‌های دموکراتیک و اجتماعی انقلاب روژاوا تعمیق یابد. آمریکا موضوع‌اش نسبت به کردها را پیش‌تر اعتراف کرده بود، در مصاحبه‌های سخن‌گویی وزارت خارجه آمریکا در سال 2014، وقتی که کوبانی مورد حمله همه‌جانبه داعش قرار گرفته بود، او گفت دخالت آمریکا در این جنگ

الویت ما نیست. آن‌چه روسیه و آمریکا از روژاوا می‌خواهند این است که منافع آن‌ها را تأمین کند، هیچ‌کدام، نه روسیه و نه آمریکا هیچ تعهد استراتژیک یا ایدئولوژیک با اصول انقلاب برابری‌طلب روژاوا ندارند. بنابراین تأیید و توافق مستقیم و یا غیرمستقیم هر دو قدرت از حمله نظامی ترکیه به عفرین را نمی‌توان خیانت شمرد، بلکه این نگرش آن‌ها را به‌عنوان سیاست‌های عریان امپریالیستی دید. هر دو قدرت ترجیح می‌دهند کردها زیر نفوذ آن‌ها باشند، آمل دموکراتیک و برابری به‌گور سپرده شود.

ترکیه نماد یک قدرت استعمارگر

تسخیر اراضی زیادی از عفرین منجمله مرکز شهر نفوذ ترکیه در سوریه را گسترش داد. و تازه اردوغان از آن‌چه تسخیر کرده است راضی نیست: او بارها تأکید کرده است که عملیات نظامی به تمام شمال سوریه، یعنی به کانتون‌های کوبانی و جزیره کشیده خواهد شد. حتی ممکن است ترکیه یک جبهه نظامی در کردستان عراق باز کند، تا جنگ علیه کردها (پ.ک.ک، مترجم) را گسترش دهد: گرچه، در شرایط حاضر یک چنین بلندپروازی به‌نظر نمی‌رسد چندان واقعی باشد.

نیرویی که ترکیه را در عملیات شاخه زیتون حمایت می‌کند «نیروهای سوریه آزاد» نام دارد که از نیروهای القاعده، جهادی‌های سلفی، اسلام‌گرایان معتدل و دیگران را شامل می‌شود، نیروهای غیر دموکراتیک و واپس‌گرا که در شروع انقلاب سوریه تشکیل شده بودند. اردوغان به وجود نیروهای سوریه آزاد در عفرین و پناهنده‌های سوریه در ترکیه برای اثبات این‌که عملیات عفرین توسط مردم سوریه و برای سوریه انجام شده است، اشاره می‌کند، نه این‌که «ترکیه چشم‌داشتی به خاک سوریه داشته باشد».

ولی چنین لفاظی به‌سختی می‌تواند حمله وحشیانه به عفرین و نیات واقعی اردوغان را پنهان کند. انتشار تصاویر و ویدئوهای فراوانی در فضای مجازی خشونت تهاجم به عفرین را ثابت می‌کند. اغلب این تصاویر و ویدئوها توسط جهادی‌های اردوغان گرفته شده و بین خودشان پست کرده‌اند. کشتار بی‌پروای غیرنظامیان دستور روز بوده است.

ترکیه هم اکنون کم و بیش در شمال سوریه به‌عنوان یک قدرت استعماری ظاهر شده است: آنکارا برای مناطق تحت اشغالش مقامات استانداری و فرمانداری منصوب کرده است، نیروهای پلیس و ژاندارم تحت کنترل دولت ترکیه، از سازه‌های قدرت دولتی پاسداری می‌کند، و اکنون ترکیه در مناطق اشغال شده تحت حمایتش مدارس، دانشگاه و موسسات تولیدی تأسیس می‌کند. آن‌چه ترکیه می‌خواهد در عفرین انجام دهد، طرحی کمتر از اهداف استعماری نخواهد بود، مشروط بر این‌که عملیات نظامی‌اش در عفرین توفیق یابد. در حقیقت، «دولت باغچلی» رهبر حزب جنبش ناسیونالیست راست افراطی (MHP)، توافق ناتمام بین اسد و نیروهای وای‌پی‌جی/وای‌پی‌ژ را بهانه گرفته و اعلام کرده که آن‌ها «حق دارند سرزمینی را که صد سال پیش از دست دادند، تا زمانی که صلح و آرامش اعاده نشده است، نگاه دارند!» «سپس، سخن‌گویی کاخ ریاست جمهوری با کلماتی مشابه دولت باغچلی گفت: «ما نه قصد و نه فکراین را داریم که (عفرین) را به حکومت (اسد) پس بدهیم».

چنین موضع عجیبی کوتاه‌بینی اردوغان را نشان می‌دهد. چگونه سیاست استعمارگری علنی می‌تواند حمایت مردم مناطق اشغال شده را، غیر از یک گروه معهود که از استعمارگری آشکار سود می‌برند، بخود جلب کند. دولت ترکیه چگونه فکر می‌کند که می‌تواند بعد از استعمارکردن اراضی و زمین‌های اعراب و کردها از راه اشغال نظامی وحشیانه آشکار حمایت آن‌ها را به خود جلب کند.

این سیاست‌های استعمارگری ترکیه، عواقب گسترده‌ای دارد. کردها می‌توانند با گشودن جبهه‌های نبرد در داخل و با بیرون ترکیه میدان‌های جنگ را وسیع‌تر نمایند. «دوران کالکان»، یکی از اعضای کمیته اجرایی حزب کارگران کردستان، پ.ک.ک، اظهار کرده‌اند که نبردهای جنگ و گریز در عفرین با عملیات تازه و بزرگ‌تر پاکک همراه خواهد شد. از سوی دیگر، اکنون که

ارتش سوریه برای اعاده کنترلش بر سراسر کشور به شمال سوریه حرکت می‌کند، وجود گروه‌های جهادی در «ادلب» قطعاً اوضاع را پیچیده خواهد کرد. با خروج نیروهای کرد، ارتش سوریه و ترکیه و جهادی‌های هم‌پیمان‌ش با هر جنگ خواهند کرد. و بالاخره، جهادی‌ها به جزء ترکیه به کجا خواهند رفت.

یک رویداد نهانی که می‌تواند در سیر وقایع در عفرین تأثیر گذار باشد این است که داتالد ترامپ رییس جمهور آمریکا «رکس تیلرسون» وزیر خارجه را برکنار کرد و به‌جای وی «مایک پومپو» رییس سابق سازمان سیا را منصوب نمود. رکس تیلرسون درکابینه داتلد ترامپ موضع به نسبت معتدلی داشت؛ برعکس، پومپو بسیار جنگ‌طلب است با رگه‌های قوی ضداسلامی.

چشم‌انداز بی‌ثباتی

دلیل مضافی برای یورش ترکیه به عفرین وجود دارد. در جواب به اعلام هشداردهنده اقتصادی و اجتماعی، اردوغان نیاز دارد که حمایت مردم را پیش از انتخابات ریاست جمهوری در سال آینده کسب کند.

دولت اردوغان تمهیداتی اتخاذ کرده تا با نتایج غیرمتر قبه انتخابات روبه‌رو نشود. مطابق قانون انتخابات، اوراق انتخاباتی بدون مهر رسمی کمیته عالی انتخابات تاکنون باطل شمرده می‌شدند. تحت قانون انتخابات جدید رای‌گیری، اوراق انتخاباتی فاقد مهر شورای عالی انتخابات بدون هیچ پرسشی معتبر محسوب خواهند شد. همچنین به کمیته انتخابات عالی این حق داده شده است که نواحی انتخاباتی را با هم ادغام کرده و صندوق‌های رای را به نواحی دیگر انتقال دهند.

در جبهه مشترک، رابطه بین حزب توسعه و رفاه اردوغان و حزب ناسیونالیست - فاشیست به یک ساختار واحد انتخاباتی به‌نام «اتحاد خلق» تنظیم شده است. پیش‌تر چنین تاکتیکی ممنوع بوده است. این توافق حزب ناسیونالیست - فاشیست را از باقی ماندن زیر سقف حد نصاب 10 درصد آرای انتخاباتی برای کسب نمایندگی در پارلمان نجات می‌دهد. بعد از استعفا بسیاری از اعضای حزب ناسیونالیست افراطی، به نشانه اعتراض به ائتلاف حزب با حزب اردوغان و تشکیل حزب مخالف، سقوط آرای حزب جنبش ناسیونالیست افراطی به زیر سقف 10 درصد قطعی شده است. عموماً، اتحاد خلقی دو حزب در تلاش بوده است که تمام اردوگاه جناح راست را تحت رهبری حزب توسعه و عدالت متحد کند.

به‌موازات اعمال نفوذ در سیستم انتخاباتی، در پس حمله به عفرین، یک مبارزه بی‌سابقه فریب‌کاری و بسیج ایدئولوژیک راه افتاده است. عملاً هر سنوالی در خصوص حمله نظامی به عفرین چه رسد به این‌که با آن مخالفت نمود غیرقانونی اعلام شدند. صدها نفر به این سبب که در فضای مجازی از حمله به عفرین انتقاد کردند دستگیر و بازداشت شدند، و مقامات دولتی از جمله اردوغان به دفعات به مخالفین سیاسی برجسب تروییستی یا پشتیبانان تروییستی زده‌اند. مطبوعات طرفدار دولت اظهار خوشحالی کردند که «چگونه فضای سیاسی از تروییست‌ها پاک گردیدند» و عملیات موفقیت‌آمیز عفرین را با آب و تاب تبلیغ و ترویج می‌کنند. هنرمندان و اشخاص با نام اجتماعی که آشکارا از حمله دولت به عفرین پشتیبانی نکردند انگ خورده و در برنامه‌های تلویزیونی مورد حمله قرار گرفته‌اند. تیم‌های فوتبالی و شاگردان مدارس عکس‌هایشان را با یونیفرم‌های نظامی در تلگرام در حمایت از دولت برای همدیگر می‌فرستند. افرادی که در جلسات حزب توسعه و رفاه شرکت می‌کنند شعارهایی با مضمون «ما را هم به جبهه عفرین بفرستید»، فریاد می‌زنند.

با تمام این تمهیدات نفوذ مسلط حزب توسعه و رفاه بر جامعه تأمین نشده است. در حالی‌که حمله به عفرین از طرف تمام احزاب به غیر از حزب دموکراتیک خلق‌ها پشتیبانی شد، ولی تمام جناح‌های راست به اتحاد خلقی اردوغان و «دولت باغچلی» رهبر حزب ناسیونالیست راست افراطی نه پیوستند. حزب سعادت، یک حزب راست‌گرای که پیش‌تر از حزب توسعه و رفاه انشعاب کرده است و «اکشیر آدی پارتسی» از پیوستن به ائتلاف اتحاد خلقی پرهیز کردند. و در حالی که سنجش نظرات نشان می‌دهد که بین 80 تا 70 درصد مردم از حمله به عفرین پشتیبانی کردند، با این وصف، سنجش افکار عمومی ناراضی‌مندی مردم در باره مسائل مهم

ادامه در ص 4

اشغال عفرین

«عموما گرایشات چپ جهانی - جنبش اجتماعی کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه- را تحریم کرده‌اند و اگر بندرت مطلبی نوشته‌اند فراتر از تحریف نبوده است. روزنامه معتبر اینترنتی چپ آمریکایی «جکوبین، چرا باید شورش کرد، Reason in revolt Jacobin» یک مورد استثنائی بوده است. پیش‌تر، جکوبین در رابطه با دستگیری و زندانی کردن «روسای مشترک حزب دموکراتیک خلق‌های ترکیه (HDP)، فیگین یوسداگ و صلاح‌الدین دمیرتاش مقاله‌ای منتشر کرده بود.»

مراد عظیمی

عکس از تظاهر کنندگان علیه حمله ارتش ترکیه به عفرین در آلمان

ترکیه شهر کردنشین عفرین را اشغال کرد. اما، هدف اردوغان برای نابودکردن جنبش آزادی بخش کردها ممکن است ناکام بماند.

ارتش ترکیه در 20 ژانویه حمله اش علیه کانتون عفرین در کردستان سوریه را آغاز نمود. ارتش ترکیه و حامیان جهادیش بعد از نبردهای سخت با استفاده از تسلیحات سنگین و پشتیبانی نیروی هوایی در 18 مارس شهر عفرین را اشغال نمود.

از مدت‌ها پیش سیاست دولت ترکیه اشغال کانتون عفرین، یکی از سه کانتون کردهای شمال سوریه بوده است. بعد از دهه‌ها سرکوب توسط دولت بعث سوریه و در پی آمد شروع جنگ داخلی سوریه در سال 2011، کردهای سوریه «خودمدریتی روژاوا» متشکل از سه کانتون عفرین، کوبانی و جزیره را در سال 2012 اعلام کردند. تجاوز ترکیه به شمال سوریه، در سال 2016، تحت نام «سیر فرات» و اشغال جرابلس و الباب دو هدف را دنبال می‌کرد، هم مانع از پیوستن کانتون‌های عفرین با کوبانی گردد و هم خطوط ارتباطی داعش از سوریه به داخل ترکیه قطع نشود. دولت ترکیه با هم‌دستی روسیه، سوریه و آمریکا به اهداف دوگانه اش رسید. حمله اخیر ترکیه به عفرین تحت نام «عملیات شاخه زیتون» مودیانه قصد دارد کردها را از کسب استقلال ناامید کند.

این‌که اردوغان با حمله‌اش به عفرین به اهدافش دست خواهد یافت، قطعی نیست. اما، آنچه روشن است این است که رویدادهای اخیر عواقب مهمی هم برای اهداف رجب طیب اردوغان خودکامه و هم برای رویای آزادی‌بخش کردها دارد.

تشدید مخاصمات

این‌که عفرین آماج حمله اردوغان شد، دلیل اش ساده است. روژاوا ثابت کرده است که اهداف جنبش آزادی‌بخش کردها کاملاً شدنی و معقول است، یعنی سامان دادن کنفدرالیسم دموکراتیک شمال سوریه انجام شدنی است و به نتیجه مسئله سرکوب کردها را حل می‌کند. این ساختار اجتماعی بر پایه برابری جنسی و سوسیالیسم بنیاد شده است. تاسیس خودمدریتی سیاسی در سال 2012 در روژاوا هم زمینه سیاسی، اخلاقی و هم قوت قلب به جنبش کردهای ترکیه داده است. «حزب دموکراتیک خلق‌های ترکیه» یک حزب چپ فرا کردی و با اقبال گسترده مردمی رویه رو است.

در چرخش حکومت ترکیه به سیاست‌های دیکتاتوری زیر حاکمیت اردوغان و شروع اختناق و سرکوب از اواسط سال 2015، جوانان مبارز شهرهای کردستان ترکیه در شهرهای سور، جزیره، در بخش خاک کردستان ترکیه، نصیبین، گور و شیرناک اعلام مدیریت خودمدریتی کردند. دولت ترکیه برای نابود کردن جنبش مدیریت خودمدریتی جوانان با تانک و توپ به شهرهای مدیریت خودمدریت حمله کرد، مردم شهرها را قتل‌عام نمود و شهرها را ویران کردند. سپس، حمله به روژاوا هدف بعدی اردوغان دیکتاتور گردید. در خلال چند سال گذشته ترکیه شاهد سیاست‌های گسترده دیکتاتوری و حتی فاشیستی بوده است. این فرایند سیاست‌های به غایت راست تحت رهبری اردوغان از بالا، نه تنها آماجش سرکوب هرگونه مخالفت و اپوزیسیون، بلکه با بازخوانی جدیدی از ناسیونالیسم برای اتحاد بخش‌های وازده اجتماعی و جناح راست افراطی سکولار، غیرمذهبی را پشت حزب توسعه و رفاه با ایدئولوژی اخوان‌المسلمین رجب طیب اردوغان بسیج کند.

به دو دلیل، نابود کردن جنبش آزادی‌بخش کردها و روژاوا در چهار چوب پروژه بالا می‌گنجد: اول، سیاست استعماری به موازات ادغام به زور جوامع کردها در چهارچوب ناسیونالیسم تبار ترک جمهوری ترکیه. چنین رویکردی سنگ بنای ناسیونالیسم ترکیه از زمان کمال مصطفی پاشا، معروف به پدر ترک‌ها، بوده است. براین پایه، کسی که جنگ علیه کردها را با سبعیت و



قاطعیت هرچه بیش‌تر انجام دهد کسی است که می‌تواند این جبهه ناسیونالیستی راست افراطی را رهبری کند. چنین نگرشی است که حزب ناسیونالیست فاشیست (MHP)، که از دشمن سرسخت حزب توسعه و رفاه اردوغان بوده است، اکنون متحد مهم حزب اردوغان گردیده است.

دوم: به مجرد این‌که چنین رویکردی از سوی قدرت‌های سیاسی و دیکتاتوری‌های بیرحم مشروعیت فراگیر پیدا کند، همچنان‌که در ترکیه اردوغان اتفاق افتاده است، هر مانع سرراه باید روبوده شود. فاشیستی که نتواند بر دولت و جامعه تسلط یابد فاشیست ضعیفی خواهد بود و با فاشیست دیگری که خود را شایسته‌تر می‌بیند چالش خواهد داشت. این سناریویی است که اردوغان و حزب توسعه و عدالت در پیش روی خود مشاهده می‌کنند، و یا تنش‌های درون ائتلاف شکننده بین دو حزب عمیق‌تر شده و نظم جاری را به خطر خواهد انداخت.

تهاجم به عفرین

در اوائل حمله به عفرین، عموماً انتظار می‌رفت که جنگ در خطوط زیر روی دهد: روسیه و آمریکا اجازه دهند که ترکیه تا نقطه معینی از عفرین پیشروی کند تا آمریکا متحد ناتواش را خوشنود کند و روسیه چوبش را به کردها نشان داده و به آن‌ها بگوید: یا شما جلو بشر اسد رهبر سوریه تعظیم کنید، و یا اجازه خواهد داد ترکیه شما را نابود کند. در این میان کردها برای کسب خودمدریتی کامل با هرآنچه در توان داشتند وارد میدان نبرد کردند. برابر با طرح بالا، قرار شد در زمان مقتضی و با توافق قدرت‌های درگیر در سوریه واحدهای ارتش عربی سوریه بشار اسد به مناطق کردها در شمال سوریه حرکت کنند.

